

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی درباره جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بِنَمَا به ما که هستی

آنکه بگو که هستی؟

(۹) بهترین دوست

وقتی آن آشنا نام "او" را به میان آورد، دلم آرام گرفت.

حدس زدم که گفتگوهایی بعدی ما در مورد اثبات وجود "او" و تشریح توانایی ها و ویژگی های "او" خواهد

بود.

خیلی وقت پیش، در دوران تحصیل، در درس تعلیمات دینی برهان های گوناگونی در باره اثبات وجود

خدا به ما آموزش داده می شد و اگرچه آن ها را به خوبی فرا می گرفتم، در ورقه های امتحانی می نوشتم، و

نمرات عالی هم می گرفتم، اما همواره در دلم نسبت به برهان بودن آن ها تردید داشتم.

آن روز انتظار داشتم که آن آشنا نیز یکی از آن برهان هایِ همیشگی و تکراری را برایم بازگو کند.

اما

این بار هم او را شبیه به آموزگارانِ زمینی پنداشته بودم

و باز

تشبیه ای سطحی و ظاهری، مثل همیشه، مرا به اشتباه انداخته بود.

چون

برهانی که او در باره اثبات وجود "او" ارائه کرد برایم رنگ و بوی دیگری داشت.

پرسید:

- اگر خرد محدود یک انسان، یک ویژگی مثبت و سازنده را تصور کند، آیا می توانیم به یقین بگوییم که

آن ویژگی و دارنده آن حتماً موجوداند؟

دیگر درسَم را خوب یاد گرفته بودم؛

گفتم:

- اگر منظورتان یک گلدان با یک شاخه گل زیبا و خوشبوست به سادگی می توانم آن را از گل فروش محله

مان بخرم و یا اگر موجود ندارد سفارش بدهم برایمان بیاورد. چون در جایی دیگر حتماً موجود است.

با لبخند فرمود:

- حالا که کار به این آسانی است بگویید یک گلدانِ بزرگ با صد شاخه گلِ خوبِ متنوع، آن هم از انواعِ معین و موردِ نظرِ ما، برایمان بیاورد.

گفتم:

- بی شک این کار برایش دشوار است، چون تهیهٔ این همه گل، آن هم متفاوت و از انواعِ مشخص، یک سفارشِ خاص محسوب می شود و فراهم کردنش از هر گل فروشی بر نمی آید.

فرمود:

- پس بنابراین، گل فروشیِ محلهٔ شما سفارشِ یک **گلدانِ گل زایِ خیلی بزرگ** با تعدادِ بسیار بسیار زیاد از **گل های بی خارِ خوب، گوناگون، و همربشه** را اصلاً نخواهد پذیرفت.

پرسیدم:

- به چه تعداد و با چه میزان تنوع؟

فرمود:

- تا آن جا که **خریدِ یک انسان بتواند تصور کند.**

گفتم:

- نباید هم قبول کند؛ چون مطمئنم که در عمرش چنین چیزی را ندیده، و یا حتی به گوشش هم نخورده است.

خودتان فرمودید که این چیزها، نه "این جا" در زمین، بلکه فقط در "آن جا" - در یک باغِ کامل در آسمان - پیدا می شود.

البته چنین گلدانی چه "آن جا" باشد و چه نباشد برای ما **اسیرانِ خاک** فرقی نمی کند،

چون برایمان **گلدانِ آسمانی و گلدانِ خیالی** به یک اندازه دست نیافتنی اند.

در زمین - این اسارتگاه ما - احتمال پیدا کردن چنین گل و گلدانی، چه برای من ناوارد و چه برای گل فروشان کهنه کار، صفر در صد است.

به شوخی فرمود:

- چه بد شد!

می خواستم برای تعیین ارقام سفارش بعدی ام نه از خرد محدود یک انسان بلکه از خرد بیکران کمک بگیرم.

پرسیدم:

- خرد بیکران قرار است چه چیزی را تصور کند؟ مگر چیزی برتر از آن گلدان آسمانی هم قابل تصور است؟

فرمود:

- اگر چه چنین کاری فراتر از توان خرد محدود انسان هاست،
اما اگر، به فرض،

خرد بیکران مجموعه ای از بی نهایت ویژگی ها و توانایی های مثبت و سازنده را به صورت کامل مطلق
(یعنی عاری از هرگونه ضعف و نقص) تصور کند

آیا باز هم شما احتمال وجود آن مجموعه از ویژگی ها و توانایی ها و نیز دارنده آن ها را صفر در صد می
دانید؟

گفتم:

- البته. اگر می شد می گفتم احتمال وجود آن ها منفی صد در صد است؛

به این معنا که نه فقط احتمال وجود آن را صفر در صد می دانم بلکه می توانم با قاطعیت بگویم که آن مجموعه و دارنده آن هیچگاه نمی توانند و نخواهند توانست پا به عرصه وجود بگذارند.

فرمود:

- ولی فرض بر آن بود که آن مجموعه از نظر ویژگی های مثبت و سازنده - از جمله هر گونه توانایی - "مطلقاً کامل" و از هر نوع ضعف و نقص (یعنی ناتوانی و کاستی) عاری باشد.

اگر آن مجموعه مفروض موجود نباشد جای یک ویژگی مثبت مهم - یعنی وجود - در آن خالی است و دارنده آن مجموعه نیز "ناتوان" از "بودن" است.

پس

چنین مجموعه "مطلقاً کامل"ی از ویژگی ها و توانایی ها "باید" محقق، و دارنده آن "باید" موجود باشد.

افزود:

- چنین دارنده ای را خدا می نامیم؛

"او" که بایابود (واجب الوجود) است یعنی باید باشد و به بیان دیگر نمی تواند نباشد؛

"او" که "وجود" اش از "تعریف" اش - به عنوان یک "پدیده مطلقاً کامل" - بر می آید

یعنی

برای اثبات وجودش به چیزی بیش از تعریف "کمال مطلق" نیاز نیست.

چون

وقتی پای **کمالِ مطلق** و مفهوم **بی نهایت** به میان می آید مقوله **احتمال** به کلی رنگ می بازد و جای خود را به **یقین** می دهد.

ادامه داد:

- از سوی دیگر، گرچه، همان طور که قبلاً دیدیم، ممکن است پیدا کردن **یک دوستِ خوب** - یعنی فردی **کامل در نوعِ خود** - و **جلبِ محبت** اش کاری بسیار سخت به نظر برسد،

اما

ارتباط با **بهترین دوست** - یعنی موجودی **مطلقاً کامل** - به هیچ وجه دشوار نیست؛ زیرا برای یافتن "او" به **جستجو**، و برای **جلبِ محبت** اش به **تلاش فراوان** نیازی نیست.

چون

"او"، فارغ از بندِ زمان و مکان، همیشه همه جا هست

و، تا آن جا که به "او" **مربوط می شود**،

از سرِ لطفِ بی حساب و فراگیرش، دوستی و محبت اش را هیچگاه از هیچ یک از آفریدگانش، به ویژه از آنان

که **آگاهانه و امیدوارانه** به "او" **روی می آورند**، دریغ نمی دارد.

"او"، برای همه آفریدگان، **بهترین دوست** - **رفیقِ اعلی** - است.

ادامه دارد